

بررسی وضعیت جبهه‌ها در دوران بنی‌صدر و پس از عزل او در گفت‌وگوی «جوان» با دکتر یحیی نیازی، پژوهشگر دفاع مقدس

بنی‌صدر مؤلفه‌های دفاعی را فدای منافع سیاسی کرده‌بود

■ **احمد محمدتبریزی**

ریاست جمهوری بنی‌صدر یکی از مناقشه‌برانگیزترین دوره‌ها در تاریخ انقلاب است. در روزهای ملت‌پهی که ایران بیشتر از هر زمانی به اتحاد و انسجام نیاز داشت، بنی‌صدر با کوبیدن بر طبل تفرقه‌باعت تشتت و تفرقه بین اقشار مختلف جامعه می‌شد. با شروع جنگ تحمیلی دامنه این اختلافات به جبهه‌ها هم کشیده شد و مانع ظهور و بروز استعداد‌های مردمی در جنگ شد. با عزل بنی‌صدر در ۲۰ خرداد ۱۳۶۰، جبهه‌ها جان تازه‌ای گرفتند و با ایجاد وحدت بین سپاه و ارتش، خودباوری و ظفر به جبهه‌های خودی بازگشت. یحیی نیازی، پژوهشگر و نویسنده دفاع مقدس در گفت‌وویا با «جوان» از اقدامات بنی‌صدر و وضعیت جبهه‌ها در دوره‌ای که او فرمانده کل قوا بود، می‌گوید.

موضع بنی‌صدر در اولین روزهای جنگ را چطور ارزیابی می‌کنید؟ آیا تنوری «زمین می‌دهیم، زمان می‌گیریم» در آن زمان حرف درستی بود؟

در فاصله ریاست جمهوری بنی‌صدر تا شروع جنگ سه مؤلفه وجود دارد که اینها روی کارکرد بنی‌صدر تأثیر دارند. نخست آنکه بنی‌صدر پیش از اندازه درگیر کش‌مکش‌های سیاسی بود و مؤلفه‌های دفاعی کشور را فدای منافع سیاسی کرده بود. به نظر می‌رسد توجه زیادی به وضعیت دفاعی کشور نداشت که این نکته هم از چند مطلب نشست می‌گیرد.

یکی بحث نخله فکری و نگاه اوست. بنی‌صدر پیروزی انقلاب را م‌هون فعل و انفعالات حزبی می‌دانست. در صورتی که واقعیت امر این است که ملت ایران به صورت یکپارچه و به رهبری یک فقیه جامع‌الشرایط توانست یک اتفاق تاریخی را که همان پیروزی انقلاب اسلامی باشد، رقم بزند. بنی‌صدر با اینکه در مبارزات انقلاب حضور داشت ولی نخله فکری‌اش به صورت صدرصد همسو با انقلابیون نبود. مسئله بعدی تیپ شخصیتی بنی‌صدر است که یک نوع بزرگ‌بینی را در او می‌بینیم. تصمیمات او را در شورای انقلاب و شورای عالی دفاع را که نگاه می‌کنیم نوعی خودبزرگ‌بینی در شخصیتش هویداقت. تصمیمات، جایگاه و تفویض فرماندهی کل قوا همه دست به دست می‌دهد. او را بیشتر از بدنه مردم و انقلابیون جدا کند. همچنین مشاوره‌ها و مشورت‌هایی که به او داده می‌شود بیشتر حزبی بود و منافع ملی در آن لحاظ نمی‌شد. عمدتاً بنی‌صدر از کسانی مشورت می‌گرفت که همسو با جناح فکری خاصی بودند و نمی‌گذاشتند بنی‌صدر به صورت در دست تصمیم‌گیری کند. پیش از آغاز جنگ هم وقتی که نیروهای انقلابی در مرزها گزارش درگیری و ناامنی می‌دادند و می‌گفتند فعل و انفعالات مرزی دشمن احتمال حمله صدام به کشور را نشان می‌دهد، بنی‌صدر اینها را نادیده می‌گرفت و از مشاورانی استفاده می‌کرد که باعث می‌شد خودبزرگ‌بینی و غرور را در او تقویت کنند و جای واقع‌بینی به طرح تئوری‌هایی مثل زمان می‌دهیم، زمین می‌گیریم روی بیاورد.

یعنی ایشان کار حزبی را به منافع ملی ترجیح می‌دادند؟
بنی‌صدر پیش از آنکه درگیر مسائل کشور شود بیشتر درگیر سیاست بازی و کارهای سیاسی بود. به نظر من همین سیاسی‌بازی باعث شد از مؤلفه‌های دفاعی و بازدارندگی و ممانعت



از تجاوز به کشور غافل شود. در آن مقطع حاکمیت با چالش‌هایی روبه‌رو بود. قوا خیلی با هم هماهنگ نیستند و یک سر این جریان‌ها هم بنی‌صدر است که بیشتر وقتش را برای مقابله با دیگر قوا می‌گذارد. به نظر می‌رسد شخصیت تأثیرپذیری هم داشت و از جریاناتی که کنارش بودند و می‌خواستند او را به مسیر دلخواهشان هدایت کنند، تأثیر زیادی می‌پذیرفت.

زمانی که بنی‌صدر کاندیدای ریاست جمهوری شد، چه طبقه‌ای از جامعه را نمایندگی می‌کرد؟

زمانی که بنی‌صدر برای ریاست جمهوری کاندیدا شد من نوجوان بودم و خاطر هم هست که جوانان آن زمان به خصوص کسانی که بعدها جذب گروهک‌ها شدند به بنی‌صدر علاقه نشان می‌دادند. با دادن مسئولیت‌های کوچک و جزئی حزبی به فشر جوان و تحصیلکرده آنها از طرفدار خودشان می‌کردند. کسانی هم که دارای تفکر بودند و عمیق نگاه می‌کردند خام این گروه‌ها نشدند. به نظرم بخش زیادی از آرای ایشان به خاطر فضاسازی‌هایی بود که جریان‌های حامی‌شان در کشور به وجود آوردند. به خصوص بسیاری با این فکر که یک فرد تحصیلکرده در علم اقتصاد خواهد آمد و مشکلات کشور را حل خواهد کرد به بنی‌صدر رأی دادند چون زمان زیادی از انقلاب نگذشته بود و عملکرد افراد مشخص و روشن نبود. کسی از ماهیت کارهای بنی‌صدر اطلاع دقیق و روشنی نداشت.

در مجموع این مشورت‌ها و سیاست‌ها سبب شده‌بود تا بنی‌صدر از تباطؤ خوبی بازماندگان و نیروهای انقلابی نداشتند؟

با اینکه برخی معتقدند ما در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ که جنگ شروع شد آمادگی‌های لازم را داشتیم ولی به صورت کلی ما با غافلگیری مواجه شدیم. دشمن در میانه فکری و معادلاتی‌اش این غافلگیری را برایشان متصور بود، چون انقلاب تازه پیروز شده بود و گذر از یک حاکمیت به حاکمیتی دیگر، عدم استقرار و ثبات از یک طرف و وضعیت به هم ریخته ارتش از طرف دیگر سبب شده بود دشمن خیال کند با غافلگیری می‌تواند پیروز شود. همچنین کش‌مکش‌های سیاسی فراوان بین مسئولان و نخنگان هنوز وجود داشت و آن هارمونی و هماهنگی لازم به وجود نیامده بود. نهادهایی مثل سپاه پاسداران

در آن مقطع دارای ساختار منسجمی پیدا کرد، در آن مقطع برای ساختار منسجمی



نیود و برای کارهای انتظامی و حفظ امنیت داخلی آمادگی داشت. وقتی این موارد را کنار هم می‌گذاریم می‌بینیم آنها خود را برای حمله و پیروزی آماده کرده بودند. با وعده‌هایی که صدام داده بود و پشتیبانی قدرت‌ها را هم به دنبال داشت کار را تمام شده می‌دیدند. اما آنها یک مؤلفه را حساب نگرفته بودند که بنی‌صدر هم این مؤلفه را در عمل نادیده گرفته بود. این مؤلفه مردم و جوانان ایران است که گوش به فرمان رهبری هستند و با اینکه از بنی‌صدر به خاطر فرماندهی کل قوا تبعیت می‌کنند ولی این تبعیت به خاطر انتصاب از سوی رهبری است. به محض اینکه رهبری «ه» بگوید دیگر این تبعیت وجود نخواهد داشت. به نظرم بنی‌صدر و برخی مشاورانش و صدام و کشورهای حمایت‌کننده‌اش این مؤلفه بسیار تأثیرگذار در جنگ و ملت ایران را حساب نگرفته بودند. دستگاه محاسباتی‌شان دچار خطای ادراکی شده بود.

نیروهای مردمی و انقلابی در عمل چگونه خود را نشان دادند؟

۳۱ شهریور وقتی جنگ شروع شد صدامی که وعده داده بود سه روزه خروشان را تصرف خواهد کرد فقط ۳۴ روز پشت دروازه‌های خرمشهر به وسیله مردم غیرآتش‌اگر چه عملکرد نیروهای ارتش، نیروهای انتظامی مثل ژاندارمری و شهرپا‌نی محفوظ و تحسین‌برانگیز است ولی این مردم ایران بودند که تمام معادلات دشمن را بر هم زدند. از اقصی نقاط به خرمشهر آمدند و ارتش مجهزی را که می‌خواست ظرف چند ساعت خرمشهر را اشغال کند، ۲۴ روز زمین‌گیر کردند. بنی‌صدر با وجود تمام این اتفاقات متوجه این پتانسیل بالای مردمی نشد که می‌تواند خلأهای کشور را در بعد سازندگی



نیود و برای کارهای انتظامی و حفظ امنیت داخلی آمادگی داشت. وقتی این موارد را کنار هم می‌گذاریم می‌بینیم آنها خود را برای حمله و پیروزی آماده کرده بودند. با وعده‌هایی که صدام داده بود و پشتیبانی قدرت‌ها را هم به دنبال داشت کار را تمام شده می‌دیدند. اما آنها یک مؤلفه را حساب نگرفته بودند که بنی‌صدر هم این مؤلفه را در عمل نادیده گرفته بود. این مؤلفه مردم و جوانان ایران است که گوش به فرمان رهبری هستند و با اینکه از بنی‌صدر به خاطر فرماندهی کل قوا تبعیت می‌کنند ولی این تبعیت به خاطر انتصاب از سوی رهبری است. به محض اینکه رهبری «ه» بگوید دیگر این تبعیت وجود نخواهد داشت. به نظرم بنی‌صدر و برخی مشاورانش و صدام و کشورهای حمایت‌کننده‌اش این مؤلفه بسیار تأثیرگذار در جنگ و ملت ایران را حساب نگرفته بودند. دستگاه محاسباتی‌شان دچار خطای ادراکی شده بود.

می‌توان گفت عملاً بنی‌صدر با بی‌توجهی به بخش عظیمی از نیروهای مردمی، جبهه را از استعداد آنها محروم می‌کرد؟

بنی‌صدر فکر نمی‌کرد اگر ما این نیروها را به کار بگیریم خلأهایی که در بعد سازمانی، تجهیزات و نیروی انسانی آموزش دیده داریم، برطرف خواهد شد. اینجا سه موضوع مهم رخ می‌دهد که در طول جنگ می‌بینیم. یکی اقتدار رهبری، دوم انسجام و وحدت ملی و سومین مورد تفکر دفاعی است. این سه مؤلفه در سراسر جنگ جاری و ساری است. هر جا که نگاه می‌کنید پیروزی، حلاوت و شیرینی به دست آورده‌ایم، این سه مؤلفه در آن وجود داشته‌است. بنی‌صدر روی همین مؤلفه‌ها کار می‌کنند. بنی‌صدر با عدم‌درک این مؤلفه‌ها به سمت اقدامات نظامی کلاسیک رفت. طراحی عملیات‌ها بر اساس آنچه در ادبیات نظامی دنیا مشهور است را در سر داشت. مثلاً شما اگر می‌خواهید به نیروی متجاوز حمله کنید سه برابر آن نیرو، تجهیزات و تسلیحات داشته باشید که این شرایط در آن روزهای کشور ممکن نبود. در شرایطی که می‌توانستیم این کمبودها را با نیروهای مردمی پر کنیم بنی‌صدر قائل به این موضوع نبود و قبول نمی‌کرد. بنی‌صدر با این تفکر چهار عملیات را انجام داد که هر چهار عملیات با شکست مواجه شد. تا زمان عملیات فرماندهی کل قوا که یک روز پس از عزل بنی‌صدر در جبهه دارخوین انجام شد. استعدادهایی در جبهه پیدا می‌شوند که قبلاً هم بودند ولی بنی‌صدر آنها را به‌بازاری نگرفته بود. به نوعی زمین بازی را کوچک کرده بود. خودش و تعدادی از نظامیانی که دور خودش بودند را قبول داشت و هر چه طرح مثل طرح شکست حصر آبادان را آوردند، او زیر بار نرفت.

۲۱ خرداد سال ۱۳۶۰ عملیات فرماندهی کل قوا، خمینی روح خدا انجام می‌شود و استعدادهای نهفته‌ای که جزو مردم عادی جامعه بودند، خودشان را نشان می‌دهند. افرادی مثل شهید حسن باقری که یک روزنامه‌نگار بود در این عملیات می‌درخشد. خیلی از شهدای دیگر مثل همت‌ها، باقری‌ها و طهرانی‌مقدم‌ها در این جبهه‌ها خودشان را نشان می‌دهند تا ما

طعم شیرین پیروزی را بچشمیم و خودباوری برایشان اتفاق بیفتد. کسانی هم که تا دیروز تحت تأثیر بنی‌صدر، نیروهای مردمی را به حساب نمی‌آوردند با خودشان آمدند که این نیروها می‌توانند کارهای بزرگی انجام دهند.

ماحصل این خودباوری و اتحاد در مهرماه سال ۱۳۶۰ خودشان را نشان می‌دهد که ما عملیات ثامن‌الامنه را انجام می‌دهیم. در این عملیات انسجام نیروهای مردمی بیشتر می‌شود و در قالب گردان و محورهای عملیاتی با نیروهای ارتش ترکیب می‌شوند و وحدت مقدسی بین ارتش و سپاه به وجود می‌آید. وحدتی که می‌توانست در گذشته هم‌باشد و مانعش کسانی مثل بنی‌صدر بودند. یکی از موارد نابخشودنی در قبال بنی‌صدر این است که نگذاشت در سال اول جنگ این وحدت به وجود بیاید. در سال‌های بعد وقتی بنی‌صدر نبود بین محسن رضایی و شهید صیادشیرازی این وحدت به وجود آمد و این به بدنه ارتش و سپاه سرایت کرد و ما می‌بینیم چهار عملیات بزرگ و پیروز را در سال دوم و سوم جنگ داریم. ثامن‌الامنه برای شکست حصر آبادان، طریق‌القدس برای آزادسازی بوستان. فتح‌المبین برای آزادسازی مناطق وسیعی از جنوب و بیت‌المقدس که آزادسازی خرمشهر را به دنبال دارد. اگر همین دو سال را با دو سال بنی‌صدر مقایسه کنیم، می‌فهمیم بنی‌صدر کار آمدنی لازم را برای اداره جنگ نداشت.



گفت‌وگو

گفت‌وگوی «جوان» با برادر شهید تازه تفحص شده علیرضا نوروزی

بعد از ۳۵ سال

استقبال مردم از پیکر برادرم باشکوه بود

■ **صغری خیل‌فرهنگ**
با معرفی یکی از همکاران به سراغ خانواده شهید تازه تفحص شده، علیرضا نوروزی در محله مهر آباد جنوبی تهران رفتم. تصاویر منتشر شده از تشییع باشکوه شهید بهانه این هم‌کلامی شد. شاید به تاریخ ششمی ۲۵ سال از شهادت و فقدان علیرضا می‌گذشت، اما مراسمی که برای تشییع و خاکسپاری او برگزار شد، گذر زمان را از یاد می‌برد. گفت‌وگوی ما با احمدرضا نوروزی را پیش‌رو دارید.

برادر تان در چه خانواده‌های پرورش یافت که چنین عاقبت‌خبری نصیبش شد؟

پدرم در کارخانه کفش ملی کار می‌کرد. خیلی معتقد و متعهد بود که صادقانه کار کند. خیلی از کارگرهای آن کارخانه زیر نظر پدرم بودند و تسلیحات داشته‌باشید که این شرایط در آن روزهای کشور ممکن نبود. در شرایطی که می‌توانستیم این کمبودها را با نیروهای مردمی پر کنیم بنی‌صدر قائل به این موضوع نبود و قبول نمی‌کرد. بنی‌صدر با این تفکر چهار عملیات را انجام داد که هر چهار عملیات با شکست مواجه شد. تا زمان عملیات فرماندهی کل قوا که یک روز پس از عزل بنی‌صدر در جبهه دارخوین انجام شد. استعدادهایی در جبهه پیدا می‌شوند که قبلاً هم بودند ولی بنی‌صدر آنها را به‌بازاری نگرفته بود. به نوعی زمین بازی را کوچک کرده بود. خودش و تعدادی از نظامیانی که دور خودش بودند را قبول داشت و هر چه طرح مثل طرح شکست حصر آبادان را آوردند، او زیر بار نرفت.

۲۱ خرداد سال ۱۳۶۰ عملیات فرماندهی کل قوا، خمینی روح خدا انجام می‌شود و استعدادهای نهفته‌ای که جزو مردم عادی جامعه بودند، خودشان را نشان می‌دهند. افرادی مثل شهید حسن باقری که یک روزنامه‌نگار بود در این عملیات می‌درخشد. خیلی از شهدای دیگر مثل همت‌ها، باقری‌ها و طهرانی‌مقدم‌ها در این جبهه‌ها خودشان را نشان می‌دهند تا ما

طعم شیرین پیروزی را بچشمیم و خودباوری برایشان اتفاق بیفتد. کسانی هم که تا دیروز تحت تأثیر بنی‌صدر، نیروهای مردمی را به حساب نمی‌آوردند با خودشان آمدند که این نیروها می‌توانند کارهای بزرگی انجام دهند.

ماحصل این خودباوری و اتحاد در مهرماه سال ۱۳۶۰ خودشان را نشان می‌دهد که ما عملیات ثامن‌الامنه را انجام می‌دهیم. در این عملیات انسجام نیروهای مردمی بیشتر می‌شود و در قالب گردان و محورهای عملیاتی با نیروهای ارتش ترکیب می‌شوند و وحدت مقدسی بین ارتش و سپاه به وجود می‌آید. وحدتی که می‌توانست در گذشته هم‌باشد و مانعش کسانی مثل بنی‌صدر بودند. یکی از موارد نابخشودنی در قبال بنی‌صدر این است که نگذاشت در سال اول جنگ این وحدت به وجود بیاید. در سال‌های بعد وقتی بنی‌صدر نبود بین محسن رضایی و شهید صیادشیرازی این وحدت به وجود آمد و این به بدنه ارتش و سپاه سرایت کرد و ما می‌بینیم چهار عملیات بزرگ و پیروز را در سال دوم و سوم جنگ داریم. ثامن‌الامنه برای شکست حصر آبادان، طریق‌القدس برای آزادسازی بوستان. فتح‌المبین برای آزادسازی مناطق وسیعی از جنوب و بیت‌المقدس که آزادسازی خرمشهر را به دنبال دارد. اگر همین دو سال را با دو سال بنی‌صدر مقایسه کنیم، می‌فهمیم بنی‌صدر کار آمدنی لازم را برای اداره جنگ نداشت.

به خانه ما آمد و گفت من از طرف ارتش آمده‌ام و می‌خواستم جویای احوال خانواده شهید شوم. هم‌ت رفتن شماره تلفن من را گرفت و گفت

شاید نیاز باشد با شما ارتباط بگیریم. آن روز چیزی نگفت. بعد از مدتی زنگ زد و خواست به محل کارش بروم. وقتی به آنجا رفتم دو سه نفر از مسئولان ارتش آمدند و سسر صحبت را با‌از کردند. بعد از کلی مقدمه‌چینی گفتند که پیکر برادر تان شناسایی شده‌است. من انتظار چنین خبری را نداشتیم. چون ۳۵ سال از شهادت علیرضا گذشته بود و ما فکر می‌کردیم شهید ما هم مثل بقیه شهدای مفقودالتر است که پیکرشان پیدا نشده‌اما در کمال ناباوری در پایان آن دیدار گفتند می‌توانیم برویم پیکر علیرضا را ببینید.

گزارش‌های تصویری نشان‌دهنده شکوه مراسم تشییع برادر تان بود.

دقیقاً وقتی زمان تشییع جنازه علیرضا معلوم شد، آشنایان و قافلیم‌ها از تهران و شهرستان‌ها آمدند. مراسم خیلی خوبی برگزار شد. مراسم وداع در مسجد و بعد تشییع تا بهشت زهرا (س) خیلی باشکوه بود. برادران سپاه آمدند، بسیجی‌ها آمدند. ارتش خیلی زحمت کشید. جنگ در بدنش است. چند بار عمل جراحی می‌فهمیم بنی‌صدر کار آمدنی لازم را برای اداره جنگ نداشت.

جدول سودوکو

ارقام ۹تا ۹راطوری قرار دهیدکه

در هر ردیف،ستون ومرجع‌های

کوچک‌سه‌درسه‌فقط یک‌بار

به‌کارورند

جدول کلمات متقاطع

● پاسخ جدول شماره ۵۳۹۱

۱۵	۱۴	۱۳	۱۱	۹	۸	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۱۵	۱۴	۱۳	۱۱	۹	۸	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۱۵	۱۴	۱۳	۱۱	۹	۸	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۱۵	۱۴	۱۳	۱۱	۹	۸	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۱۵	۱۴	۱۳	۱۱	۹	۸	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۱۵	۱۴	۱۳	۱۱	۹	۸	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۱۵	۱۴	۱۳	۱۱	۹	۸	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۱۵	۱۴	۱۳	۱۱	۹	۸	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۱۵	۱۴	۱۳	۱۱	۹	۸	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۱۵	۱۴	۱۳	۱۱	۹	۸	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۱۵	۱۴	۱۳	۱۱	۹	۸	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۱۵	۱۴	۱۳	۱۱	۹	۸	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۱۵	۱۴	۱۳	۱۱	۹	۸	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۱۵	۱۴	۱۳	۱۱	۹	۸	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۱۵	۱۴	۱۳	۱۱	۹	۸	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۱۵	۱۴	۱۳	۱۱	۹	۸	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۱۵	۱۴	۱۳	۱۱	۹	۸	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۱۵	۱۴	۱۳	۱۱	۹	۸	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۱۵	۱۴	۱۳	۱۱	۹	۸	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۱۵	۱۴	۱۳	۱۱	۹	۸	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲
۱۵	۱۴	۱۳	۱۱	۹	۸	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵							